

فهرست

صفحه	عنوان
۳.....	خلاقیت و کاهش استرس
۷.....	خلاقیت
۱۷	کنترل افکار
۱۷	تغییر زاویه دید
۲۶	افزایش تمرکز
۳۸	راه درست
۴۵	آزمودن راه‌های مختلف
۴۷	ایرادهای دوست داشتنی
۵۴	اول تحلیل بعد تصمیم
۵۶	قدرت تصمیم‌گیری
۵۹	احترام به تفاوت‌ها
۷.....	بازی کن، یاد بگیر
۶۶.....	اهمیت تجربه
۷۶	ارزش دست‌ها
۷۸	بازی
۷۹	انواع اسباب بازی
۸۴	یه پیشنهاد کاربردی
۹۰	همه ما تکه‌های پازل هستیم
۶۵.....	حل مسئله
۱۰۱	ابزار حل مسئله

تلاش برای حل مشکل ۱۰۶

tnbook.ir

دنیای بچه‌ها دنیای قشنگیه
 همیشه در حال انجام دادن کاری هستن
 هیچ وقت حوصلشون سر نمی‌ره
 بیکار نمی‌شن
 براشون یه بشقاب می‌شه فرمون ماشین یا راه‌های قالی می‌شه
 خیابون
 با قابلمه پلاستیکی غذا درست می‌کنن و کلی لذتجو می‌برن
 نگم از نقاشیاشون که پر از حال قشنگه
 وقتی با خمیر بازی می‌کنن چه چیزهای جالبی که نمی‌سازن
 وقتی لگو بازی می‌کنن چقدر قشنگ دنیا رو یه جور تازه‌ای
 می‌سازن
 وقتی هم که کمی بزرگ‌تر می‌شن با ابزارهای ساده می‌تونن
 وسیله‌های جالبی بسازن
 و حتی گاهی کارهایی می‌کنن که فکر می‌کنی اون‌ها نابغن.
 بسیار کنجکاو و گاهی هم ماهر
 کارهایی رو انجام می‌دن که قبلاً یاد نگرفتن. حتماً پیش اومده
 که از توانایی‌های عجیب اون‌ها هیجان‌زده بشید.

خیلی جالبه که می‌تونن توی گوشه‌های اقسام بازی‌ها رو پیدا کنن. حتی با یک بار دیدن هم رمز گوشه‌ها رو یاد می‌گیرن و بعضی وقت‌ها هم به شکل عجیبی آدرس‌ها رو به خاطر می‌سپرن.

و اون وقت با خودت می‌گی چقدر با استعداد این نسل!

بارها هم اون‌ها رو تو موقعیت‌های عالی تصور کردید.

حتماً می‌تونن خیلی خوب پیشرفت کنن و خیلی موفق بشن. با این همه استعداد بعیده که نتونن به درجات بالا برسن.

توقع دارید بتونن تو رشته تحصیلی یا هنری یا حتی ورزشی مهمی به درجه بالایی برسن.

و با انرژی وارد مدرسه می‌شن.

اون‌ها تا کلاس دوم و سوم ابتدایی هم خیلی عالی هستن.

بعد...

کم کم

می‌بینید که گاهی از بقیه هم‌کلاسی‌ها یا هم سن و سال‌های خودشون جا می‌مونن. (البته متأسفانه چون ما عادت به مقایسه کردن داریم این موضوع خیلی فکرمون رو مشغول می‌کنه)

گاهی ساده‌ترین تمرین‌ها رو اشتباه حل می‌کنن. شاید هم دیگه خوبی ندارن.

و نمره‌های کم‌تر از بیست... یا به قول امروزی‌ها خوب و قابل قبول، گاهی هم نیاز به تلاش

و به زبون ساده: دیگه عالی نیستن.

و همین‌طور ادامه پیدا می‌کنه.

موضوع چیه؟

وقتی هم که وارد دبیرستان می‌شن به وضوح می‌تونیم بی‌علاقگی و بی‌حوصلگی اون‌ها رو در مورد بعضی از درس‌ها ببینیم.

بیزاری از درس و گاهی هم یه تقلب کوچولو

اون موقع فکر می‌کنی که حتماً مشکلی هست.

تلاش می‌کنی دنبال مشکل بگردی

شروع می‌کنی بررسی کنی که از چه چیزی براش کم گذاشتی.

پیش خودت می‌گی شاید ما کوتاهی کردیم و نتونستیم برای



فرزندمون همه‌ی امکانات مورد نیازش رو فراهم کنیم؟

باید تا دیر نشده راه‌حلی پیدا کرد...

باید فرزندت رو به چه کلاس‌هایی بفرستی تا بتونه دوباره عالی

بشه؟

مشاوره نیاز داره یا کلاس تقویتی؟

دیگه باید کم کم نگران کنکور بشی و فکر کنی که چه رشته‌ای در آینده بهتر می‌تونه به موفق شدن فرزندت کمک کنه.

فکر می‌کنی کمی نصیحتش کنی. با همه عشقی که به فرزندت داری شروع می‌کنی به صحبت کردن درباره نگرانی‌هایی که درباره آینده اون داری.

نیاز به درس خوندن و مدرک عالی داشتن رو بهش گوشزد می‌کنی.

خودت کاملاً به حرفهات ایمان داری و دلسوزانه تلاش می‌کنی تا درست و غلط آینده رو پیش روش بذاری. درباره چیزهایی که در جامعه دیدی صحبت می‌کنی و این‌که اگر دیر بجنبه نمی‌تونه جایگاه خوبی برای خودش توی جامعه دست و پا کنه.

ولی وقتی جواب فرزندت رو می‌شنوی شوکه می‌شی.

مگه همه باید درس بخونن. ببین فلان ورزشکار یا اون کاسب پولدار یا مثلاً احد عظیم زاده مالک برند فرش دستباف عظیم زاده درس خون نبودن. پس چرا موفق شدن؟ من دوست ندارم درس بخونم. مثل خیلی‌ها که تو درس خوب نبودن. می‌تونم بدون درس خوندن هم موفق بشم!

بعد کمی که فکر می‌کنید شما هم مثال‌های این چینی رو به خاطر می‌آید. شاید هم در اطراف خودتون از این دسته افراد وجود دارن.

افراد توانا و موفق زیادی توی این لیست هستن. مثل کارآفرین‌هایی که صاحب کارخونه بزرگی هستن و غالباً هم از یه شغل بسیار ساده شروع کردن. یا افرادی که به خاطر خلاقیتی که دارن تونستن وسیله‌ای رو اختراع کنن یا با خدماتی که نیاز روز مردم هست درآمد خوبی داشته باشن.

در اطراف خودتون افرادی هم می‌تونید ببینین که بارها شکست خوردن ولی با سماجت که امروزی‌ها بهش می‌گن پشتکار باز هم موفق شدن.

بعد این جا سر دو راهی می‌مونی؟؟؟؟

چی درسته؟ کدوم غلطه؟

افرادی که تونستن قاعده بازی رو عوض کنن و با روش خودشون زندگی رو پیش ببرن.

نتیجه: استعدادی که جدی گرفته می‌شه و تلاشی که به هدف مطلوبش می‌رسه.

چطور می‌شه که یه نفر می‌تونه راه خودش رو به دنیای توانایی‌های خودش پیدا کنه؟

حتی عجیب‌تر

چطور یه نفر وقتی که شکست می‌خوره راه‌های جدید رو برای موفق شدن پیدا می‌کنه؟

چطور ادیسون می‌گه هزارمین راهی که امتحان کرد اون رو به موفقیت ساخت لامپ رسوند؟

بذارید مثال‌های ساده‌تر رو ببینیم

افراد شکست خورده‌ای رو بارها تو زندگی دیدیم که شاید استعداد عجیبی نداشتن

یا حتی ناتوانایی و نقطه ضعف‌های واضحی داشتن

بازیگر معروفی که همیشه تجدید می‌شد و حتی یک سال هم مردود شد.

نویسنده‌ای که تا سال‌ها هیچ انتشاراتی حاضر به چاپ کتاب‌های او نمی‌شد ولی الان برای خرید کتاب‌های او صف می‌کشن.

خود ما اگه این افراد رو چند سال پیش می‌دیدیم و قرار بود نصیحتشون کنیم به اون‌ها چی می‌گفتیم؟

ظاهراً افراد بی‌عرضه‌ای بودن

ولی با تعجب دیدیم که تونستن

و وقتی که بهتر نگاه می‌کنیم می‌بینیم که دیگه به این راحتی نمی‌شه نظر داد ...

فرزند من جزو کدو دسته از افراد هست؟ اگه نتونه خوب درس بخونه می‌تونه تو جامعه پیشرفت کنه؟

آیا می‌تونه مسیر پیشرفت خودش رو پیدا کنه؟

اگه خوب درس خوند و رشته خوبی هم ادامه تحصیل داد می‌تونه آینده شغلی مطمئنی داشته باشه؟

تو این مسیر غیرقابل پیش‌بینی چطور باید کمکش کنم؟ باید سرمایه خوبی براش تدارک ببینم؟ باید حتماً امکانات رفاهی خوبی فراهم کنم که بدون دغدغه تو درس پیشرفت کنه؟

آیا ضمانتی هست که با همه‌ی تلاش‌های من باز هم به انسان موافقی تبدیل بشه؟

و هزار تا سوال دیگه...

؟؟؟

چرا این موضوع به ظاهر ساده این قدر پیچیده شده...

بحث رو اینجا نگه‌دار

راهنمایی می‌کنم تا خودت بتونی به جواب درست برسی

موضوعات بسیاری هست که در این رابطه باید بررسی بشه. نمی‌تونی دنبال یه جواب یک خطی باشی. باید کمی عمیق‌تر دربارش فکر کنی.

روش فکر کردن ما تفاوت‌ها رو ایجاد می‌کنه. روش فکر کردن و در نتیجه روش زندگی کردن. هر چقدر بهتر و کارآمدتر فکر کنیم می‌تونیم زندگی بهتری برای خودمون و اطرافیانمون بسازیم. این‌جا روش‌های ساده و کارآمدی رو بررسی می‌کنیم که برای پیشرفت تو زندگی بهشون احتیاج داریم.

با هم قدم به راهی می‌گذاریم که مطمئن هستیم می‌تونه حالمون رو بهتر کنه و کمک کنه زندگی رو عاقلانه‌تر ادامه بدیم.